



بررسی تأثیر حکمرانی خوب و سیاست‌های مالی دولت بر صادرات:

مطالعه‌ی کشورهای عضو اکو (۲۰۱۴-۲۰۰۱)

دکتر کریم آذربایجانی

استاد تمام و هیات علمی دانشگاه اصفهان

k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir

علی سرخوش سرا

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

alisarkhosh1988@yahoo.com

آرام سپهری وند

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤل)

a.sepehrivand@yahoo.com

چکیده

حجم تجارت جهان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است و باعث شده است تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی کشورها داشته باشد. یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، رونق صادرات است که مهم‌ترین هدف از سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد. از این‌رو هدف این پژوهش بررسی تأثیر سیاست مالی و شاخص‌های حکمرانی خوب بر صادرات کشورهای عضو اکو طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیرهای شاخص حکمرانی خوب بر متغیر وابسته یعنی میزان صادرات کشورهای اکو مثبت و معنادار است که حاکی از این موضوع است که افزایش ثبات سیاسی و آرامش و کاهش ریسک سیاسی تولید و تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای عضو اکو می‌تواند ترتیبات سرمایه‌گذاری و تولید در این گروه کشورها را تقویت کرده و نهایتاً منجر به افزایش صادرات کشورهای مورد نظر گردد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مالیات دریافتی بر میزان صادرات کشورهای اکو منفی و معنادار است که نشان دهنده این موضوع است که افزایش مالیات کشورهای عضو اکو می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و در نتیجه ترتیبات سرمایه‌گذاری و تولید را تضعیف نموده و نهایتاً صادرات کشورهای مورد نظر را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، سیاست‌های مالی، صادرات، کشورهای عضو اکو



Examining the Effect of the Government Good Governance and Fiscal Policies on Exports: Studying ECO Member States (2001-2014)

Karim Azarbayjani

Professor of Economics, Isfahan University, Department of Economics, Isfahan, Iran

Ali Sarkhosh Sara

Ph.D. Candidate of Economics, University of Isfahan, Department of Economics, Isfahan, Iran

Aram Sepehrivand

M.Sc. Economics, Isfahan University, Department of Economics, Isfahan, Iran

Abstract

The volume of world trade has increased in recent decades and has had a significant impact on economic growth. Export boom is one of the most important factors to achieve sustainable economic growth that is considered as the main aim of policy in foreign trade. Therefore, the research aims to examine the effects of fiscal policy and good governance measures on export of ECO¹ countries from 2001 to 2014, using panel data econometrics. The research results show that variables indicators of good governance on the dependent variable, namely volume of exports of ECO member states have positive and significant effects, suggesting that increasing political stability and security, reducing political risk and producing and strengthening institutional foundations of ECO member states can enhance investment and production arrangement in these countries and finally, increase their export volume. The results also indicate a negative significant effect of the delivered taxes on export of ECO member states, which indicates that raising taxes on ECO member states can increase capital costs, weaken profile of investment and production and eventually reduce exports of the countries.

Keywords: good governance, fiscal policy, export, ECO member states

¹ Economic Cooperation Organization

مقدمه

بیان مسئله

تجارت بین‌الملل نقش مهم و فزاینده‌ای را در اقتصاد ایفا می‌کند. حجم تجارت جهان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است و تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی کشورها دارد. یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، رونق صادرات است که مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد. اهمیت روزافزون استقلال از درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات و بی‌ثباتی قیمت و تقاضای جهانی نفت که درآمدهای دولت و اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر عوامل برون‌زا قرار می‌دهد، باعث شده است تا نقش صادرات غیرنفتی فراتر از ابزاری برای کسب درآمدهای ارزی مطرح شود، به نحوی که نظر بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران اقتصاد به سمت تحلیل وضعیت صادرات غیرنفتی در کشورها معطوف شده است. از طرف دیگر تأثیر حکمرانی خوب بر روی متغیرهای اقتصادی غیرقابل انکار است، (Dixit, 2009) و (Uger, 2012) حکمرانی خوب را از عوامل ضروری برای تأمین پیش‌شرط‌های لازم برای اقتصاد بازار به صورت زیر می‌دانند: (۱) حکمرانی خوب می‌تواند متضمن تأمین حق مالکیت باشد؛ بنابراین حکمرانی خوب با تأمین حق مالکیت، سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را تضمین می‌کند و با توانا ساختن سرمایه‌گذاران در فعالیت‌های مختلف موجب گسترش انواع فعالیت‌ها از جمله صادرات می‌شوند. (۲) بهبود حکمرانی اجرای قراردادها را تضمین نموده، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و بنگاه‌ها را قادر به انتخاب فناوری‌های نوین می‌سازد بنابراین می‌تواند مشکلات مربوط به قراردادها را کاهش داده و موجب تشویق فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های تجاری شود. (۳) بهبود حکمرانی مشکلات فعالیت‌های جمعی را حداقل می‌کند؛ با درونی سازی پیامدها یا اثرات خارجی مرتبط با آن، انواع فعالیت‌ها مانند صادرات را افزایش می‌دهد. بنابراین تأثیراتی که شاخص‌های حکمرانی در ایجاد محیط اقتصادی و اجتماعی مطمئن دارا هستند غیر قابل انکار است. حکمران با بهبود شاخص‌های از قبیل اثربخشی (کارایی) دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قانون و کنترل فساد و ثبات سیاسی می‌تواند سهم عمده‌ای در گسترش صادرات داشته باشد (شاه‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۴).

اما بعد دیگر فعالیت‌های دولت یعنی سیاست‌های مالی ممکن است با توجه به هدف و اصابت مالیاتی نتایج مختلفی روی صادرات داشته باشد به عنوان مثال بعضی از مالیات‌ها بر مبنای مقصد با تدبیر تشویق صادرات تهیه و تنظیم می‌گردید به طوری که در این مالیات، صادرات معاف از مالیات ولی واردات مشمول آن می‌شود، در این رابطه این باور عمومی وجود دارد که این نوع مالیات باعث تشویق صادرات از طریق هزینه‌بر کردن واردات می‌شود. اما نظریه‌های اقتصادی بر این دلالت می‌کنند که تعدیل نرخ ارز به دنبال سیاست مالیاتی ممکن است مانع از اثر گذاشتن مالیات بر مبنای مقصد بر صادرات و واردات شود (صامتی و طیبی، ۱۳۸۷).

در همین راستا در اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آن تا جوزف استگلیتز^۲ قرار گرفت. استگلیتز معتقد است رابطه سازنده دولت-بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد (میرزا ابراهیمی، ۱۳۸۵). در این نظریات دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند، نه دو نهاد رقیب. در واقع دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به‌گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به‌عنوان دست یاری دهند بازار، موجبات رشد اقتصادی اقتصاد که یکی از ابزارهای آن گسترش صادرات است را فراهم سازد. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود (مهدوی و عادل، ۱۳۸۷).

² Stieglitz

از طرف دیگر کشورهای در حال توسعه باید مراحل معینی را طی نمایند تا امکان حضور آنها در بازارهای جهانی و به خصوص به‌عنوان صادرکننده فراهم شود. اما توجه به این نکته ضروری است که منظور از توسعه صادرات در این رابطه گسترش صادرات کالاهای تولیدی است، نه مواد اولیه. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که با افزایش صادرات مواد اولیه، تولید (درآمد) ملی کشور افزایش می‌یابد اما رابطه معناداری بین افزایش صادرات مواد اولیه و رشد پایدار اقتصادی وجود ندارد. بنابراین شرط لازم برای تحقق این مهم آن است که در کشور، ساختار مناسب اقتصادی، اجتماعی، ثبات اقتصادی سیاسی و مهارت‌های مناسب در سطوح و صنایع مختلف وجود داشته باشد. در واقع، تحت این شرایط امکان گسترش صادرات کالاهای غیرنفتی توسط بخش خصوصی فراهم و حضور کشور در عرصه تجارت جهانی تسریع می‌شود، که به تناسب آن بازار از انحصار دولت خارج و به شرایط رقابتی نزدیک‌تر می‌شود و تولیدکنندگان داخلی می‌توانند هر چه بیشتر از ظرفیت واحدهای تولیدی خود استفاده نمایند و برای حفظ و افزایش توان رقابت خود در بازارهای داخلی و خارجی نسبت به بهبود و ارتقای سطح فناوری مورد استفاده خود تلاش بیشتری انجام دهند اما در این حالت این امکان نیز وجود دارد در این کشورها واردات نیز به موازات گسترش صادرات افزایش یابد. بنابراین، دستیابی به سطح بالای صادرات نیازمند شناسایی ساختار مناسب اقتصادی، سیاسی و نهادی است.

حالا با توجه به این توضیحات این سؤالات مطرح می‌شود که آیا حکمرانی خوب می‌تواند صادرات را افزایش دهد یا برعکس باعث کاهش آن و در نتیجه افزایش واردات شود؟ از طرف دیگر همیشه تأثیر سیاست‌های مالیاتی روی متغیرهای کلان اقتصادی مورد بحث اقتصاددانان بوده است اکنون این سؤال نیز مطرح است که افزایش یا کاهش مالیات چه تأثیری بر صادرات در کشورهای مختلف دارد؟ برای پاسخگویی به این سؤالات مجموعه‌ای از کشورهای منتخب عضو اکو شامل ایران، افغانستان، آذربایجان، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، را انتخاب کرده و برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۱ بررسی می‌نمایم که هریک از شاخص‌های حکمرانی خوب و سیاست مالی چه تأثیری بر روی حجم صادرات این کشورها دارند. در ادامه این تحقیق بعد از ارائه مبانی نظری، مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه‌ی موضوع مورد بررسی بیان شده است. بخش چهارم به تصریح الگوی استفاده شده در تحقیق اختصاص داده شده و در بخش پنجم روش شناسی اقتصادسنجی بیان گردیده است. در بخش ششم مطالعه نتایج و یافته‌های حاصل از الگو تحلیل شده است. نهایتاً بخش ششم مطالعه به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی پرداخته است.

مبانی نظری

نقش دولت در کشورهای در حال توسعه بسیار مورد بحث قرار گرفته است. منتقدین بیان می‌کنند که دولت به وسیله ولخرجی در مصرف بخش عمومی، بخش خصوصی را خارج می‌کند (Mitchell, 2005). به علاوه از نظر (Sinn, 1995) مالیات باز توزیعی ممکن است بسته به تعهد اخلاقی دولت فساد مالی را به وجود آورد. طرفداران هزینه‌های دولتی و دولت رفاه مانند (Atkinson, 1995) ویژگی‌های بسیاری از این استدلال‌ها را مورد بحث قرار می‌دهند و شواهد بین‌المللی رشد هزینه‌های دولت را هنگامی که با استدلال‌های بالا ترکیب می‌شود را بیان می‌کنند. به صورت تجربی ارتباط بین اندازه دولت و عملکرد اقتصادی ناهمسان و درآمیخته است. (Temple, 1999) و (La Porta and et al, 1999) اثرات مفید بهره‌وری خدمات عمومی از قبیل حفاظت از قانون، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ترویج سرمایه انسانی با آموزش و سلامت و تضمین حقوق مالکیت و اجرا قراردادهای را بیان می‌کنند. (Ghosh and Roy, ۲۰۰۴)، (Turnovsky, 2000)، (Tsoukis and Miller, 2003) و (Irmen)

(and Kuehnel, 2009) نیز مطالعاتی در این زمینه ارائه می‌کنند. (Barro, 1990) هر دو جنبه خدمات عمومی یعنی افزایش بهره‌وری و عوامل انگیزه زدا مانند مالیات بالاتر را تحلیل می‌کند.

تحقیق حاضر به برخی مطالعات صورت گرفته در ادبیات مربوط به این موضوع مرتبط است. (Alesina and Perotti, 1997) به بررسی اثرات این موضوع بر رقابت و در توزیع مجدد ناشی از مالیات‌های اختلال زا پرداخته‌اند. یافته‌های تجربی آن‌ها نشان می‌دهد که افزایش مالیات بر نیروی کار به میزان ۱٪ از تولید ناخالص داخلی، هزینه‌های واحد نیروی کار را به اندازه ۳٪ افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در این مطالعه از اطلاعات پانلی مورد استفاده توسط (Carlin and et al, 2001) استفاده شده است. از طرفی ارتباط دوطرفه بین نهادها و درجه باز بودن تجارت توسط (Dollar and Kraay, 2003)، (Giavazzi ۲۰۰۵)، (and Tabellini, Meon and Sekk, 2008) بررسی شده است. که نشان می‌دهد نهادها و کیفیت آن‌ها با الگوی تجارت در ارتباط است. (Levchenko, 2007) و (Nunn, 2007) تفاوت‌های موجود در نهادهای کشور در مواردی همچون کیفیت اجرای قراردادهای و حقوق مالکیت را نشان داده و بیان کرده‌اند که از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر تجارت می‌باشند. (Epifani and Gancia, 2009) نشان می‌دهند که باز بودن تجاری بالاتر منجر به مخارج بیشتر دولت می‌گردد، در حالی که (Benarroch and Pandey, 2008) دقیقاً به نتیجه‌گیری مخالفی دست یافته‌اند (اندازه بزرگ‌تر دولت منجر به کاهش باز بودن تجاری می‌گردد).

از طرف دیگر در نظر گرفتن نقش نهادها به ویژه نهادهای بازار کار و نهادهای بازار محصول و محیط نظارتی بر عملکرد صادراتی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند. نقش این عوامل در اثرگذاری بر بیکاری به طور گسترده‌ای مورد بررسی و بحث قرار گرفته است (Blanchard and Wolfers, 2000) و (Nickell, 1997). به طوری که رقابت در بازار محصول بر دستمزدها و بیکاری اثرگذار است از نظر (Griffith, 2007) مقررات مربوط به ورود شرکت‌های جدید نیز به عنوان مخل ورود شرکت‌ها و رشد تلقی می‌گردد. (Koeniger and Prat, 2007)، (Knack and Keefer, 1995)، (Acemoglu and et al, 2001)، (Paldam and Gundlach, 2008) و (Drine, 2012) نشان دادند که کیفیت نهادها برای رشد و توسعه مهم می‌باشد و رشد و توسعه لازمه افزایش صادرات است. (Gwartney and et al, 2006) نشان می‌دهند که کیفیت نهادها برای سطح سرمایه‌گذاری و بهره‌وری مهم است در نتیجه ویژگی‌های نهادی و انعطاف‌ناپذیری ممکن است بر عملکرد صادراتی تأثیرگذار باشد؛ در این رابطه نیکولتی و (Nicoletti and Scarpeta, 2003) نیز نشان دادند که درجه بالایی از سختی در بازار کار منجر به افزایش هزینه‌های تولید به صورت قابل ملاحظه می‌گردد، و از حرکت منابع بدون صرف هزینه، به سمت فعالیت‌های تولیدی جلوگیری می‌کند. در نتیجه هزینه مبادله در کل اقتصاد را افزایش داده و باعث کاهش تمامی کالاها و از جمله کالاهای صادراتی شده که این به تناسب باعث کاهش صادرات در اقتصاد می‌شود.

اما سهم دیگر این تحقیق بررسی نقش سیاست‌های مالی دولت بر صادرات می‌باشد. نقش دولت در توسعه اقتصادی همچنان مورد بحث است. منتقدانی مانند (Mitchell, 2005) استدلال می‌کنند که اثرات برون‌رانی ناشی از افزایش مصرف خصوصی توسط مصرف عمومی قابل توجه است. علاوه بر این (شین، ۱۹۹۵) نیز بیان می‌کند که مالیات باز توزیعی ممکن است همراه با فساد، وابستگی و یا خطرات اخلاقی باشد. ارتباط تجربی بین اندازه دولت و عملکرد اقتصادی ارائه شده در این رابطه به صورت ترکیبی می‌باشد (Temple, 1999) و (La Porta and et al, 1999). (Barro, 1990) به تجزیه و تحلیل هر دو جنبه خدمات عمومی، بهبود بهره‌وری و بازدارندگی ناشی از مالیات‌های بالاتر پرداخته است. که همه این موارد بر صادرات تأثیرگذار است. (Canning, and Pedroni, 2008) و (Demetriades and Mamuneas, 2000) و (Easterly and Rebelo, 1993) به صورت تجربی نشان می‌دهند، سرمایه‌گذاری دولتی دارای اثرات منفعت آور بر رشد می‌باشد. که در مطالعه حاضر، این بحث با بررسی سهم مالیات دولت بر صادرات نسبی، ادامه داده شده است.

بنابراین با این توضیحات رابطه تنگاتنگ بین ساختار اقتصادی، حاکمیت و بهره‌وری تأثیر قابل توجهی بر متغیرهای اقتصادی از جمله صادرات کشورها دارد. اما اگرچه عوامل متعددی بر صادرات و واردات تأثیرگذار هستند و مطالعات و نظریات

فراوانی در این زمینه ارائه شده است، ولی آنچه تاکنون کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، تأثیر عوامل نهادی بر صادرات و واردات است. بنابراین مطالعه حاضر سعی می‌کند بعضی از جنبه‌های این کمبود را پوشش دهد.

پیشینه تحقیق

محمدی و فکاری سرده‌ایی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "اثرات زیرساخت‌های نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر تنوع صادرات ایران (با استفاده از رگرسیون ریج)" به بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی بر تنوع صادرات ایران با استفاده از اطلاعات دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۱ و با به‌کارگیری الگوی رگرسیون ریج پرداخته‌اند. از نظر آنان یکی از موضوعاتی که آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم تا را افزایش می‌دهد، وابستگی بیش‌ازحد اقتصاد کشور به صادرات نفت است و به دلیل عدم تنوع صادرات و تمرکز بر صادرات فرآورده‌های نفتی، اقتصاد کشور وابستگی بسیاری به درآمدهای حاصل از صدور این فرآورده‌ها دارد. از نظر آنان تنوع صادرات از دو جنبه کیفیت نهادهای اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. نتایج این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاری خارجی، درآمد ناخالص سرانه و همچنین شاخص‌های کیفیت قوانین و مقررات، انتقادپذیری و پاسخ‌گویی اثرات معنی‌داری روی تمرکز صادرات در ایران داشته‌اند.

سبحانی و بیات (۱۳۹۳) در مقاله با عنوان "مقایسه تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی" به مقایسه تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان داد که تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای نفتی، که عملکرد نهادهای آن‌ها نامطلوب است، بیشتر از کشورهای صنعتی است که عملکرد نهادهای آن‌ها در سطحی مطلوب قرار دارد. بنابراین باید اهتمام مجریان قانون در کشورهای نفتی به اجرای اصول مربوط به بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بسیار بیش‌تر از مجریان قانون در کشورهای صنعتی باشد.

قدوسی و همکاران (۱۳۹۳) طی مقاله‌ای با عنوان "تأثیر نهادهای حاکمیتی بر صادرات و واردات کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)" با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر شاخص نهادهای حاکمیتی همچون شاخص‌های حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و کنترل فساد، بر صادرات و واردات منتخبی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، در طول دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ می‌پردازد. نتایج حاصل از تخمین مدل تأییدکننده تأثیرگذاری نهادهای حاکمیتی بر صادرات و واردات کشورهای موردبررسی در این مطالعه می‌باشد. بدین‌صورت که شاخص‌های کیفیت قوانین، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون تأثیر مثبت و معنادار و شاخص کنترل فساد دارای تأثیر منفی و معناداری بر صادرات هستند. همچنین شاخص‌های کیفیت قوانین، اثربخشی دولت و کنترل فساد تأثیر مثبت و معنادار و شاخص حاکمیت قانون دارای تأثیر منفی و معناداری بر واردات کشورهای موردبررسی می‌باشند.

مداح و دل‌قندی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که واکنش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به کیفیت نهادها در کشورهای عضو جی ۸ مثبت است، هم‌چنین کارایی سیاست‌های اقتصادی مثل آزادسازی تجاری، افزایش نقدینگی و کاهش نرخ بهره واقعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو گروه کشورها با وجود شرایط نهادی مناسب مثل ثبات سیاسی، کارایی دولت و حاکمیت قوانین و مقررات افزایش می‌یابد.

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) طی مقاله‌ای با عنوان "بررسی عوامل نهادی و همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه صادرات خدمات" با رویکرد تحلیلی و توصیفی عوامل اقتصادی و نهادی تأثیرگذار در صادرات خدمات را در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) به روش داده‌های تابلویی کاوش و ارزیابی کردند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که

تأثیر متغیرهای درآمد سرانه، نرخ مؤثر ارز، ورود سرمایه‌های خارجی و زیرساخت‌های اطلاعاتی در صادرات خدمات در مجموعه کشورهای منتخب مثبت و معنی‌دار است و نرخ تورم عاملی بازدارنده برای صادرات خدمات است. به علاوه، عضویت کشورهای مذکور در بلوک‌های منطقه‌ای (ECO) و (D8) تأثیر مثبت و معنی‌داری در صادرات کل خدمات دارد. عملکرد پایین متغیرهای نهادی از قبیل اثربخشی دولت‌ها، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد و شاخص وزنی حکمرانی در کشورهای مورد مطالعه تأثیر منفی و معنی‌داری در صادرات خدمات داشته است.

شریفی و ملاسماعیلی (۱۳۹۲) طی مقاله‌ای با عنوان "اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک" به بررسی آثار نهادها از قبیل کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی، بار مالی قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب اوپک با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی برای ۱۰ کشور اوپک برای سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های اثربخشی دولت و حاکمیت قانون اثر منفی و شاخص‌های کیفیت قوانین و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب دارند.

(Balavac and Pugh, 2016) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین درجه باز بودن تجاری، تنوع‌گرایی در صادرات، نهادها و نوسانات تولید در کشورهای در حال گذار، به بررسی و ارزیابی نقش باز بودن تجاری، تنوع‌گرایی صادرات و مؤسسات یا نهادها؛ به‌عنوان عوامل بالقوه برای پیش‌بینی نوسانات تولید در ۲۵ اقتصاد در حال گذار در طی دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که تنوع‌گرایی نمی‌تواند منجر به کاهش اثرات نوسانات تولید که ناشی از درجه باز بودن برای کشورهای در حال گذار است گردد، البته اگر این کشورها دارای سطوح متوسط و بالاتری از تنوع‌گرایی باشند، اما با این وجود ممکن است این اثرات در سطوح پایین‌تر از تنوع‌گرایی وجود داشته باشد. علاوه بر این، سایر یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت بین تنوع‌گرایی در حاشیه‌های صادرات نه تنها فقط یک مفهوم نمی‌باشد، بلکه اثر باز بودن تجاری مشروط به تنوع‌گرایی در صادرات است.

(Bournakis and Tsoukis, 2016) در مطالعه‌ای با عنوان "اندازه دولت، نهادها و عملکرد صادراتی در بین کشورهای عضو OECD"، با استفاده از یک نمونه پانلی مربوط به ۱۸ کشور OECD، طی دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۵، به بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صادرات، به ویژه اثرات اندازه دولت و ویژگی‌های نهادی پرداخته است. برای این منظور با استفاده از یک مدل که در آن کالاها در داخل کشور به صورت درون‌زا تولید شده نشان می‌دهند که اندازه دولت یک اثر غیرخطی بر عملکرد صادراتی دارد؛ از طرفی صادرات نیز منجر به حداکثر شدن اندازه دولت (درآمدهای مالیاتی) چیزی در حدود ۴۰-۴۵٪ از تولید ناخالص داخلی آن کشور می‌شود. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که بازار محصول و بازار نیروی کار ارتباط منفی با عملکرد صادراتی دارند.

(Elhiraika and Mbate, 2014) در مطالعه‌ای به بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تنوع صادرات در ۵۳ کشور آفریقایی می‌پردازند. آن‌ها بیان می‌کنند که تنوع تولید و صادرات برای داشتن رشد اقتصادی پایدار و تغییرات اقتصادی برای کشورهای آفریقایی الزامی است. نتایج این مطالعه نشان داد که درآمد سرانه، زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری عمومی، سرمایه انسانی و چهارچوب نهادی عوامل مؤثر بر تنوع صادرات می‌باشند.

(Sung and Song, 2014) در مطالعه‌ای با عنوان "چگونه سیاست‌های دولت بر پویایی‌های صادرات تکنولوژی‌های مربوط به انرژی‌های تجدید پذیر اثرگذار می‌باشد: یک تجزیه و تحلیل بخشی"، به بررسی روابط بلند و کوتاه‌مدت پویا بین سیاست‌های دولت و صادرات فن‌آوری‌های تجدید پذیر (RET) با استفاده از داده‌های پانلی پویا و داده سالانه مربوط به ۱۸ کشور در طول دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۲ پرداخته‌اند. آن‌ها در این مطالعه از مدل تصحیح خطای برداری (VECM) برای

آزمون کردن رابطه پویای بین سیاست‌های دولتی، صادرات و تولید ناخالص داخلی (GDP) برای فن‌آوری‌های زیست توده‌ای و انرژی باد و از روش خودهمبستگی برداری (VAR) برای فن‌آوری‌های انرژی خورشیدی استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هر یک از زیر بخش تا دارای یک روند و مسیر منحصر به فرد بوده، که نشان دادن وجود مکانیسم‌های مختلف بازخورد مثبت بر اساس تعامل میان سیاست‌های تکنولوژی - فشار، سیاست‌های بازار - کشش، صادرات و یا تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد.

(de Mendonça and et al, 2014) در مطالعه‌ای با عنوان "نهادها و مبادلات دو طرفه کشاورزی"، به بررسی اثر تفاوت‌های نهادی بین کشورها بر جریان تجاری محصولات کشاورزی می‌باشد. تجزیه و تحلیل انجام شده در این تحقیق بر اساس مدل جاذبه به کار گرفته شده توسط (Anderson and Wincoop, 2003) انجام شده است. نمونه مورد بررسی در این مطالعه شامل ۵۹ کشور می‌باشد که از داده‌های دوره زمانی بین سال‌های ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج این مطالعه بر اساس نمونه منتخب نشان می‌دهد که تفاوت‌های نهادی بین کشورها دارای اثرات معنی‌دار و منفی بر تجارت کشاورزی می‌باشد. علاوه بر این، تفاوت بیشتر در کیفیت نهادها بین کشورها، اثرات محدودتری بر تجارت می‌باشد.

(Francois and Manchin, 2013) در مطالعه‌ای با عنوان "نهادها، زیرساخت و تجارت"، با استفاده از یک مدل پانلی دوجانبه، به بررسی تأثیر زیرساخت و کیفیت نهادها بر الگوهای تجارت پرداخته‌اند. آن‌ها برای این منظور از روش برآوردگرهای پواسون استفاده کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تجارت بستگی به کیفیت نهادی و دسترسی صادرکنندگان و واردکنندگان به حمل‌ونقل و ارتباطات و توسعه زیرساخت تا دارد. در حالی که در این تحقیق بر صادرات کشورهای در حال توسعه تأکید شده است، کیفیت پایین‌تر نهادها و زیرساخت‌های در قسمت جنوب، منجر به محدود شدن دسترسی آن به بازارهای صادراتی شمال آن کشور می‌شود. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست تا در کشورهای در حال توسعه بر دسترسی به بازارهای این کشور بستگی دارد این در حالی است که در این کشورها حمایت کافی از فرآیند تسهیل تجارت ارائه نمی‌شود.

(Li and et al, 2013) در مطالعه‌ای با عنوان "کیفیت نهادها، قانونی داخلی و عملکرد صادراتی: تئوری و شواهدی از کشور چین"، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا کیفیت نهادها، حقوقی داخلی برای عملکرد صادرات مهم می‌باشد یا خیر؟ و چگونه تفاوت در دسترسی تا و امتیازات ارائه شده توسط نهادها، غیررسمی بر رابطه بین کیفیت نهادها، قانونی و عملکرد صادرات اثرگذار است؟ برای پاسخ به این سؤال، در این مطالعه یک چارچوب نظری در رابطه با نظریه‌های تجارت و نظریه توسعه نهادی ارائه شده و از اطلاعات موجود برای بیش از ۱۹۸,۰۰۰ شرکت و اطلاعات با کیفیت قانونی برای ۱۲۰ شهرستان در کشور چین استفاده شده است. در این مطالعه نشان داده می‌شود که سیستم‌های حقوقی با کیفیت بالاتر در محل‌های صادراتی، مرتبط با عملکرد صادراتی بالاتر بوده، به خصوص هنگامی که شرکای تجاری با سطوح بالاتری از عدم قطعیت خارجی و داخلی مواجه باشند. علاوه بر این در این تحقیق نشان داده می‌شود که شرکت‌هایی که دسترسی کمتری به نهادها، غیررسمی محلی دارند نسبت به نهادها، قانونی بهتر توسعه یافته، با کاهش هزینه‌های مبادله و فواید فرصت طلبانه بیشتری مواجه می‌باشند.

روش تحقیق

الگوی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه پژوهش، به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری مطالب مربوط به ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای نظیر کتب، مقالات، پایان‌نامه تا استفاده شده است جامعه آماری این تحقیق

کشورهای عضو اکو شامل ایران، افغانستان، آذربایجان، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان است. همچنین دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ میلادی هست و داده‌های این تحقیق از سایت بانک جهانی^۳ و صندوق بین‌المللی پول^۴ گردآوری شده است.

الگوی استفاده شده در این تحقیق برگرفته از مطالعه (Bournakis and Tsoukis, 2016) به صورت زیر است:

$$Exp_{c,t} = \beta_0 + \beta_1 Ins_{c,t}^h + \beta_2 Tax_{c,t} + \beta_3 (Tax)_{c,t}^2 + \beta_4 R\&D_{c,t} + \beta_4 RULC_{c,t} + \beta_5 SOC_{c,t} + u_{c,t}$$

که در آن:

متغیر وابسته:

$Exp_{c,t}$: نشان‌دهنده میزان صادرات در کشور C در سال t به‌عنوان شاخص عملکرد صادراتی کشورهای عضو اکو

متغیرهای مستقل:

$Ins_{c,t}^h$: شاخص‌های حکمرانی خوب به‌عنوان متغیرهای نهادی در کشور C و در سال t (حق اظهارنظر و پاسخگویی، حاکمیت

قانون، کارایی دولت، ثبات سیاسی، قوانین و مقررات و کنترل فساد).

$Tax_{c,t}$ و $(Tax)_{c,t}^2$: مالیات دریافتی و مالیات دریافتی به دو در زمان در کشور C و در سال t به‌عنوان شاخص

سیاست‌های مالی غیرخطی

متغیرهای کنترل:

$R\&D_{c,t}$: هزینه تحقیق و توسعه در کشور C و در سال t

$RULC_{c,t}$: شاخص هزینه نیروی کار (دستمزد) در کشور C و در سال t

$SOC_{c,t}$: سهم مخارج جامعه (نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی) در کشور C و در سال t

روش‌شناسی اقتصادسنجی

۱. نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

پیش از برآورد الگو لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین تا مورد آزمون قرار گیرد. زیرا نامانایی

متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در مورد داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود.

برای بررسی مانایی در داده‌های تابلویی از آزمون‌های لوین لین چو^۵، ایم، پسران و شین^۶، برتونگ^۷، فیشر^۸ و هادری^۹

استفاده می‌شود (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش برای آزمون مانایی از آزمون لوین لین چو استفاده می‌شود. در این

آزمون تا فرضیه صفر، مبتنی بر عدم مانایی و فرضیه مخالف مبتنی بر مانایی متغیرها است. مانایی متغیرهای تحقیق در گروه

کشورهای عضو اکو بررسی شده است.

³ World Bank

⁴ International Monetary Fund

⁵ Levin, Lin, Chu

⁶ Im, Pesaran, Shin

⁷ Breitung

⁸ Fisher

⁹ Hadri

جدول (۱): نتایج مانایی متغیرها

متغیر	نماد	آماره لوین لین و چو	احتمال	نتیجه
صادرات	EXPORT	-1.85618	0.0317	I(0)
هزینه نیروی کار	RULC	-4.42331	0.0000	I(0)
حق اظهارنظر و پاسخگویی	VOICE	-5.89808	0.0000	I(0)
ثبات سیاسی	POLITICAL	-6.93263	0.0000	I(0)
کارایی دولت	GOVERNMENT	-6.04549	0.0000	I(0)
حاکمیت قانون	REG	-3.36155	0.0004	I(0)
قوانین و مقررات	RULE	-10.5618	0.0000	I(0)
کنترل فساد	CORR	-4.15726	0.0000	I(0)
هزینه تحقیق و توسعه	RAD	-3.40351	0.0003	I(0)
مالیات دریافتی	TAX	-5.58618	0.0000	I(0)
مالیات دریافتی به توان دو	TAX2	-1.84400	0.0326	I(0)
سهم جامعه	SOC	-44.0153	0.0000	I(0)

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طوری که نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد همه متغیرهای تحقیق در سطح مانا هستند.

۲. آزمون F لیمر^{۱۰}

ابتدا لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۲) برای هر یک از مدل‌های پژوهش نشان داده شده است. در این آزمون فرضیه صفر نشان‌دهنده تلفیقی (pool) بودن داده تا و فرضیه مخالف نشان‌دهنده غیر تلفیقی یا تصادفی (random) بودن داده تا است. همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده است احتمال آماره کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی (pool) بودن داده‌ها برای مدل پژوهش رد می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون F لیمر

نوع آزمون	آماره	احتمال آماره	نتیجه
F لیمر	17.157329	0.0002	روش تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهش

۳. آزمون هاسمن^{۱۱}

با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. در این آزمون فرضیه صفر نشان‌دهنده اثرات ثابت (fixed effect) بودن داده تا و فرضیه مخالف نشان‌دهنده تصادفی بودن (random) بودن داده تا است. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود مقدار احتمال مربوط به این آماره از ۵ درصد کمتر است پس فرضیه صفر رد می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که داده‌ها، تابلویی با اثرات تصادفی هستند. بنابراین مدل پژوهش بر روی متغیرهای موردنظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

¹⁰ LM¹¹ Hausman

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن

نوع آزمون	آماره	درجه آزادی	احتمال آماره	نتیجه
هاسمن	47.260885	11	0.0000	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، به منظور تعیین به‌کارگیری داده‌ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل‌های پژوهش در بخش بعدی ارائه می‌گردد.

نتایج و یافته‌ها

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۴) ارائه شده است. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهنده‌ی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از $0/01$ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۳) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله $1/5$ و $2/5$ قرار دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین $0/98$ هست و نشان از برازش خوب الگو می‌باشد و متغیرهای استفاده شده در آن قدرت توضیح دهنده‌ی مدل را به میزان ۹۸ درصد نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج مربوط به تخمین مدل پژوهش (متغیر وابسته: صادرات)

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
عرض از مبدأ	C	1.974911	1.163261	1.697737	0.1176
هزینه نیروی کار	RULC	-0.466509	0.133128	-3.504212	0.0049
حق اظهارنظر و پاسخگویی	VOICE	0.545104	0.584722	0.932245	0.3712
ثبات سیاسی	POLITICAL	1.363113	0.616437	2.211276	0.0491
کارایی دولت	GOVERNMENT	0.685139	0.331792	2.064967	0.0633
حاکمیت قانون	REG	0.360711	0.153488	2.350089	0.0372
قوانین و مقررات	RULE	0.853305	1.190668	0.716661	0.4885
کنترل فساد	CORR	0.468102	0.245327	1.908073	0.0828
هزینه تحقیق و توسعه	RAD	1.132015	0.206911	5.471015	0.0000
مالیات دریافتی	TAX	-0.102335	0.031264	-3.273253	0.0057
مالیات دریافتی به توان دو	TAX2	-1.515412	0.667989	-2.268618	0.0450
سهم جامعه	SOC	-0.586811	0.100422	-5.843547	0.0001
آزمون دوربین واتسون: 2.239722		آماره F : 20.50161		معناداری آماره F : 0.000000	
ضریب تعیین: 0.986182		ضریب تعیین تعدیل شده: 0.981323			

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل حق اظهارنظر و پاسخگویی بر متغیر وابسته یعنی میزان صادرات کشورهای اکو تأثیر مثبت دارد ولی اثر آن معنادار نیست و حاکی از آن است که در کشورهای مورد مطالعه شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی تأثیرگذاری لازم بر روی صادرات نداشته است.

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل ثبات سیاسی بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 1.363113 مثبت و معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش ثبات سیاسی و آرامش و کاهش ریسک سیاسی تولید و تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای عضو اکو می‌تواند مناسبات سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه افزایش احتمال صادرات این گروه کشورها را تقویت کرده و منجر به افزایش صادرات کشورهای موردنظر خواهد شد. این اثر قبلاً در مطالعات مداح و دل قندی (۱۳۹۲) و احمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز تأیید شده است. اثر متغیر مستقل کارایی دولت بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.685139 مثبت و در سطح ده درصد معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش کارایی دولت و بهبود ساختارهای بخش عمومی و تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای عضو اکو می‌تواند مناسبات سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه افزایش احتمال صادرات در این گروه کشورها را تقویت کرده و منجر به افزایش صادرات کشورهای موردنظر خواهد شد. این نتیجه قبلاً در مطالعه قدوسی و همکاران (۱۳۹۳) و در راستای طرفداران مداخله دولت در اقتصاد است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل حاکمیت قانون بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.360711 مثبت و معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش حاکمیت قانون و کاهش ریسک سیاسی تولید و تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای عضو اکو می‌تواند سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه افزایش احتمال صادرات در این گروه کشورها را تقویت کرده و منجر به افزایش صادرات کشورهای موردنظر خواهد شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل شاخص کنترل فساد بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.468102 منفی و در سطح ده درصد معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش شاخص فساد منجر به بی‌اعتمادی و تخریب بنیان‌های نهادی کشورهای عضو اکو شده و در نتیجه هزینه مبادله را در این کشورها افزایش می‌دهد که به دنبال آن می‌تواند ترتیبات سرمایه‌گذاری و تولید را دچار مشکل کرده و در نتیجه کاهش صادرات کشورهای موردنظر را در پی خواهد داشت.

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل شاخص قوانین و مقررات بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو مثبت و غیرمعنادار است. دلیل این امر می‌تواند به قوانین بعضاً متناقض و دست و پاگیر و یا قوانین ناکارا برگردد که نتوانسته است تأثیرگذاری لازم را بر صادرات داشته باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل مالیات دریافتی بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.102335 منفی و معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش مالیات کشورهای عضو اکو می‌تواند هزینه تولید را افزایش داده و منجر به کاهش صادرات کشورهای موردنظر خواهد شد. اما اثر متغیر مستقل شاخص مالیات دریافتی به توان دو نیز بر میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 1.515412 منفی و معنادار است و حاکی از این موضوع است که رابطه بین نرخ مالیات و صادرات به صورت سهمی گون هست و نشان می‌دهد افزایش‌های مالیات در نرخ‌های اولیه اثر منفی بر صادرات و در نرخ‌های بالاتر، شدت اثرگذاری بر کاهش صادرات بیشتر می‌شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر کنترل هزینه تحقیق و توسعه بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 1.132015 مثبت و معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه منجر به افزایش بهره‌وری و ثبت اختراع و در نتیجه افزایش تولید و صادرات در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد. این نتیجه تا حدود زیادی تأییدکننده نظریات (Bournakis and Tsoukis, 2016) است. از طرف دیگر اثر متغیر کنترل شاخص هزینه نیروی کار (دستمزد) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.466509 منفی و معنادار است و حاکی از این

موضوع است که افزایش هزینه نیروی کار (دستمزد) منجر به افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه کاهش تولید و صادرات در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد. اثر این متغیر نیز قبلاً در مطالعه بورناکیس و تسوکیس (۲۰۱۶) تأیید گردیده است. اما نتیجه مهم دیگر در این پژوهش این است که اثر متغیر کنترل سهم جامعه (نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به میزان 0.586811 منفی و معنادار است و حاکی از این موضوع است که افزایش نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی منجر به افزایش مصرف و تقاضا شده در نتیجه کاهش تولید مازاد در جامعه برای صادرات خواهد شد که این عامل منجر افزایش قیمت تمامی کالاها از جمله کالاهای صادراتی شده و نهایتاً باعث کاهش صادرات در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

توجه به صادرات و عدم تمرکز بر صادرات یک محصول خاص مانند نفت اهمیت ویژه‌ای در کاهش تأثیرپذیری از نوسانات سیاسی و اقتصادی جهانی دارد. در این مطالعه ارتباط بین صادرات با متغیرهای کلان اقتصادی و کیفیت نهادهای دولتی سنجیده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اکثر متغیرهای مستقل حکمرانی خوب بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو مثبت و معنادار است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران کلان اقتصادی کشورهای عضو اکو جهت افزایش صادرات کشورهای مورد مطالعه، سیاست‌های مبتنی بر تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب را در نظر بگیرند. توصیه می‌گردد که با افزایش آزادی بیان و تشویق مردم به مشارکت، افزایش کارایی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد و بهبود قوانین و مقررات مربوطه به افزایش رشد پایدار و رونق صادرات در کشورهای خود کمک کنند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل مالیات دریافتی و مالیات دریافتی به توان دو (سیاست مالی غیرخطی) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو منفی و معنادار است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران کلان اقتصادی کشورهای عضو اکو جهت افزایش صادرات کشورهای مورد مطالعه، سیاست‌های مبتنی بر مدیریت و کاهش نرخ مالیات از بخش‌های تولیدی و صادراتی را در نظر بگیرند.

همچنین با توجه به اینکه نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر کنترل هزینه تحقیق و توسعه بر میزان صادرات کشورهای اکو مثبت و معنادار است، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای عضو اکو جهت افزایش صادرات خود سیاست‌های مبتنی بر تقویت و افزایش هزینه تحقیق و توسعه را در نظر بگیرند. لذا به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری، توجه به شاخص حکمرانی خوب به منظور بسترسازی فضای خلاقیت و نوآوری که می‌تواند موجب افزایش نوآوری و دانش حاصل از فعالیت‌های تحقیق و توسعه گردد یک ضرورت جدی است. تسهیل حرکت کشورهای عضو اکو به سمت یک اقتصاد دانش‌محور و کاهش شکاف فناوری، توجه ویژه به اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی هماهنگ با سیاست‌های پژوهشی و آموزشی بستر ساز افزایش انگیزه برای فعالین اقتصادی در جهت گسترش بازار تحقیق و توسعه و بهبود سرمایه انسانی جهت ایجاد نقش مکمل برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز صادرات مبتنی بر فعالیت‌های تحقیق و توسعه است.

اما اثر متغیر شاخص هزینه نیروی کار (دستمزد) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو طبق انتظارات تئوری‌های اقتصادی منفی و معنادار است، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای عضو اکو جهت افزایش صادرات کشورهای مورد مطالعه، سیاست‌های مبتنی بر کاهش شاخص هزینه نیروی کار (دستمزد) را در نظر بگیرند. به‌طور کلی فضای کشور باید به سمت تولید، خدمات و ایجاد ارزش افزوده بیشتر حرکت نماید.

همچنین با توجه به اینکه نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر کنترل سهم جامعه (نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای اکو به‌عنوان شاخص عملکرد صادراتی کشورهای اکو منفی و معنادار است، پیشنهاد می‌شود سیاست گذران در کشورهای عضو اکو جهت افزایش صادرات، سیاست‌های مبتنی بر کاهش فشار تقاضا را اتخاذ نمایند.

منابع

- احمدزاده، خالد؛ یآوری، کاظم؛ عساری آرانی، عباس و سحایی، بهرام (۱۳۹۲). بررسی عوامل نهادی و همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه صادرات خدمات. *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۸، شماره ۳، ۱۶۵-۱۹۱.
- سبحانی، حسن و بیات، سعید (۱۳۹۳). مقایسه تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی. *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه*، سال نوزدهم، شماره ۱، ۱۷۷-۱۵۱.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱). نهادها و رشد اقتصادی، مطالعه داده‌های تابلویی. *نشریه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۳۲، ۱۲۱-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و سلیمی، صبا (۱۳۹۴). تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه؛ کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. *نشریه سیاست علم و فناوری*، سال هفتم، شماره ۲، ۴۶-۳۵.
- شریفی رنانی، حسین و ملاسماعیلی دهشیری، حسن (۱۳۹۱). اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک، *نشریه اقتصاد و تجارت نوین*، سال هشتم، شماره ۳۱-۳۲، ۲۱۵-۱۹۳.
- صامتی مجید؛ طیبی، سید کامیل و حاجی کرمی، مرضیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر مالیات ارزش افزوده بر خالص صادرات و مقایسه تأثیر آن با مالیات بر شرکت تا در ایران و دیگر کشورهای آسیایی. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۷، شماره ۱، ۱۵۷-۱۳۵.
- فطرس، محمدحسن و ترکمنی، اسماعیل (۱۳۹۱). توسعه انسانی تعدیل‌شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ۷، ۹۲-۵۹.
- قدوسی دهنوی، پروین؛ آذربایجانی، کریم و رنجبر، همایون (۱۳۹۳). تأثیر نهادهای حاکمیتی بر صادرات و واردات کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، کنفرانس بین‌المللی و آنلاین اقتصاد سبز.
- محمدی، حسین (۱۳۸۹). دلایل تفاوت نهادهای اقتصادی و سیاسی در جوامع. *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۷۰-۲۶۹.
- محمدی، حسین و فکاری، بهزاد (۱۳۹۴). اثرات زیرساخت‌های نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر تنوع صادرات ایران (با استفاده از رگرسیون ریج). *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۱۱، ۹۴-۷۵.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد (۱۳۸۹). تبیین اثر کیفیت نهادی بر فساد اقتصاد: رهیافت لیزر. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۹، ۳۸-۱۹.
- مداح، مجید و دل‌قندی، مژده (۱۳۹۲). بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خود رگرسیون برداری در داده‌های تابلویی)، دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، شماره ۶، ۱۵۷-۱۳۳.
- مهدوی عادل، محمدحسین؛ حسین زاده بحرینی، محمدحسین و جوادی، افسانه (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کورهای با درآمد متوسط. *مجله دانش و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۱۰۶-۸۸.
- میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۸۵). راهکارهای اعمال اصلاحات در حوزه دولت از دیدگاه استگلitz. *فصلنامه اقتصاد و جامعه*، (۷)، ۷۷-۵۴

- Acemoglu, D, Johnson, S, and Robinson, J.A. (2001). The colonial origins of comparative development: an empirical investigation. *Am. Econ. Rev.* 91, 1369-1401.

- Atkinson, A.B. (1995). Is the welfare state necessarily an obstacle to economic growth? *Eur. Econ. Rev.* 39 (3-4), 723-730.

- Alesina, A. & R. Perotti. (1997). The Welfare State and Competitiveness, *American Economic Review*, 89, 921-937.
- Atkinson, A.B. (1995). The welfare state and economic performance. *Natl. Tax J.* 48, 171-198.
- Balavac Merima and Geoff Pugh. (2016). The link between trade openness, export diversification, institutions and output volatility in transition countries, *Economic Systems*, Vol. 40, Issue 2, 273-287.
- Barro, R.J. (1990). Government spending in a simple model of endogenous growth. *J. Polit. Econ.* 98 (5), 103-126.
- Benarroch, M., Pandey, M. (2008). Trade openness and government size. *Econ. Lett.* 101 (3), 157-159 (December).
- Blanchard, O., Wolfers, J. (2000). The role of shocks and institutions in the rise of European unemployment. The aggregate evidence. *Econ. J.* 110 (462), 1-33 (March).
- Bournakis Ioannis, and Christopher Tsoukis. (2016). Government size, institutions, and export performance among OECD economies, *Economic Modelling*, No. 53, PP. 37-47.
- Bournakis Ioannis, and Christopher Tsoukis (2016), Government size, institutions, and export performance among OECD economies, *Economic Modelling*, No. 53, PP. 37-47.
- Canning, D., Pedroni, P. (2008). Infrastructure, long-run economic growth and causality tests for cointegrated panels. *Manch. Sch.* 76 (5), 504-527.
- Carlin, W., Glyn, A., Van Reenen, J. (2001). Export market performance of OECD countries. An empirical examination of the role of cost competitiveness. *Econ. J.* 111 (468), 128-162.
- De Mendonça Talles Girardi, Viviani Silva Lirio, Marcelo José Braga, and Orlando Monteiro da Silva (2014), Institutions and Bilateral Agricultural Trade, *Procedia Economics and Finance*, Vol. 14, 164-172.
- Demetriades, P.O., Mamuneas, T. (2000). Intertemporal output and employment effects of public infrastructure capital. Evidence from 12 OECD economics. *Econ. J.* 110 (465), 687-712 (July).
- Dixit, A. (2009). Governance institutions and economic activity. *The American Economic Review*, 3-24.
- Dollar, D., Kraay, A. (2003). Institutions, trade and growth. *J. Monet. Econ.* 50, 133-162.
- Drine, I. (2012). Institutions, governance and technology catch-up in North Africa. *Econ. Model.* 29 (6), 2155-2162.
- Easterly, W., Rebelo, S. (1993). Fiscal policy and economic growth. *J. Monet. Econ.* 32 (3), 417-458.
- Elhiraika, A.B. and Mbate, M.M. (2014). Assessing the Determinants of Export Diversification in Africa. *Applied Econometrics and International Development*, Vol. 14-1. 147-162.
- Epifani, P., Gancia, G. 2009. Openness, government size and the terms of trade. *Rev. Econ. Stud.* 76 (2). 629-668.
- Fisher, W.H., Turnovsky, S.J. (1995). The composition of government expenditure and its consequences for macroeconomic performance. *J. Econ. Dyn. Control.* 19 (4), 747-786.
- Francois Joseph and Miriam Manchin. (2013). Institutions, Infrastructure, and Trade, *World Development*, Vol. 46. 165-175.
- Ghosh, S., Roy, U. (2004). Fiscal policy, long-run growth, and welfare in a stock-flow model of public goods. *Can. J. Econ.* 37 (3). 742-756.
- Giavazzi, F., Tabellini, G. (2005). Economic and political liberalizations. *J. Monet. Econ.* 52. 1297-1330.
- Griffith, R., Harrison, R., Macartney, G. (2007). Productmarket reforms, labour market institutions and unemployment. *Econ. J.* 117 (519). 142-166.
- Gwartney, J.D., Holcombe, R.G., Lawson, R.A. (2006). Institutions and the impact of investment on growth. *Kyklos* 59 (2). 255-273.
- Irmen, A., Kuehnel, J. (2009). Productive government expenditure and economic growth. *J. Econ. Surv.* 23 (4). 692-733.
- Knack, P., Keefer, S. (1995). Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures. *Econ. Polit.* 7, 207-227.
- Koeniger, W., Prat, J. (2007). Employment protection, product market regulation and firm selection. *Econ. J.* 117 (521), 302-332.
- La Porta, R., López-de-Silanes, F., Shleifer, A and Vishny, R. (1999). The quality of government. *J. Law Econ. Org.* 15 (1), 222-279.
- Levchenko, A.A. (2007). Institutional quality and international trade. *Rev. Econ. Stud.* 74 (3), 791-819.



- Levin, A. Lin, F U and Chia-Shang, J C. (2002). Unit Root tests in Panel data: Asymptotic and Finite-Sample Properties, *Journal of Econometrics*, No 108, 1-۲۴
- Li Jing and Ilan Vertinsk and Hua Zhang. (2013). The Quality of Domestic Legal Institutions and Export Performance: Theory and Evidence from China, *Management International Review*. Vol. 53, Issue 3. 361-390.
- Meon, P.-G., Sekkat, K. 2008. Institutional quality and trade: which institutions? Which trade? *Econ. Inq.* 46 (2), 227-240.
- Mitchell, D.J. (2005). The Impact of Government Spending on Economic Growth, National Heritage Foundation website http://www.heritage.org/research/reports/2005/03/the_impact_of_government_spending_on_economic_growth (accessed 12/04/2013).
- Nickell, S. (1990). Unemployment. A survey. *Econ. J.* 100, 391-439 (June).
- Nickell, S. (1997). Unemployment and labor market rigidities. Europe versus North America. *J. Econ. Perspect.* 11 (3). 55-74.
- Nicoletti, G., Scarpeta, S. (2003). Regulation, productivity and growth. OECD evidence. *Econ. Policy* 18 (36). 9-72.
- Nunn, N. (2007). Relationship-specificity, incomplete contracts and the pattern of trade. *Q. J. Econ.* 122 (2). 569-600.
- Paldam, M., Gundlach, E. (2008). Two views on institutions and development: the grand transition vs the primacy of institutions. *Kyklos* 61 (1). 65-100.
- Sinn, H.-W. (1995). A theory of the welfare state. *Scand. J. Econ.* 97 (4). 495-526.
- Sung Bongsuk and Song Woo-Yong .(2014). How government policies affect the export dynamics of renewable energy technologies: A subsectoral analysis, *Energy*, Vol. 69. PP. 843-859.
- Temple, J. (1999). The new growth evidence. *J. Econ. Lit.* 37 (1). 112-156.
- Tsoukis, C., Miller, N.J. (2003). Public services and endogenous growth. *J. Policy Model* 25 (3). 297-307.
- Turnovsky, S.J. (2000). Fiscal policy, elastic labor supply, and endogenous growth. *J.Monet. Econ.* 45 (1), 185-210.
- Uger, M. (2012). Market power, governance and innovation: OECD evidences. MPRA Paper No. 44151. <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/44141/>